



## پیچ تاریخی؛ مرحله گذار، نه مرز قرار

### اشاره

آیت‌الله حاج شیخ محمود رجبی، از اعضای محترم جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و قائم مقام مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، در همایش منطقه‌ای دفتر پژوهش‌های فرهنگی در دی ماه ۱۳۹۱ در شهر اصفهان با بیان این‌که وجود ظرفیت فرهنگی غنی یکی از عوامل شکل‌گیری هر تمدنی به شمار می‌رود، به ضرورت وجود

رابطه رهبران با مردم در ابعاد گوناگون برای نضج‌گیری تمدن اشاره کرده، به رابطه تاریخی عالمان شیعه با مردم در ادوار گوناگون از مقطع حفظ میراث گرانقدر تشیع تا حاکمیت ولایت فقیه می‌پردازد. این معلم اخلاق و استاد دروس سطوح عالی حوزه علمیه قم با خواندن پیچ تاریخی به مرحله گذار، نه مرز قرار، تنها راه شکل‌گیری تمدن اسلامی و گذر این تمدن از

پیچ تاریخی را ولایت فقیه و جدا نشدن امت از امامت جامعه می‌داند و با اشاره به فرمایش امام راحل (ره) مبنی بر این‌که «پشتیبان ولایت فقیه باشید تا به مملکت شما آسیب نرسد» جامعه را به مودت و همدلی و تبعیت از فرمایشات ولی فقیه زمان، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دامت برکاته، دعوت می‌کند. گزیده‌ای از سخنان ایشان را ملاحظه می‌کنید:

می‌کنیم، این به منزله یک استثنا در روند کلی است. این بازه زمانی سه ویژگی دارد:

ویژگی نخست این است که حکومت در دست شیعیان نیست؛ البته همان‌طور که عرض کردم، جز آن مقطع‌های استثنایی. در کل این دوره، روند کلی و سیستم حاکم، سیستم اهل سنت است؛ جز استثنای اندکی که گاهی به وجود می‌آید، آن‌هم نه به شکل حاکمیت فرهنگ شیعی.

ویژگی دوم این است که در این مقطع اکثریت هم در میان مردم با اهل تسنن است. شیعه همواره اقلیتی در مجموعه امت اسلامی است.

ویژگی سوم این است که در این مقطع، شیعه و عالمان و رهبران شیعی تحت سخت‌ترین فشارها و تهدیدها قرار دارند. البته ممکن است در یک مقطع مثلاً در زمان امام صادق (ع) حضرت بتواند آزادانه فرهنگ غنی اسلامی را احیا کند؛ اما غیر از این است که در طول این روند تاریخی همواره رهبران شیعه بتوانند حداقل اندیشه‌های خودشان را آزادانه طرح کنند. کافی است کتاب ارزشمند مرحوم علامه امینی (ره) به نام «شهداء الفضیله» را ملاحظه کنید تا ببینید در طول این قرون، ما چه شهیدان بزرگی از دانشمندان شیعی داریم. در دوران خود ائمه (ع) هم که وضعیت امامان معصوم و شیعیان روشن است و روند کلی این‌گونه بود که سخت‌ترین شداوند و مشکلات، هم برای شیعه و هم برای رهبران شیعی وجود داشت.

### دوره حفظ میراث فرهنگ اسلام

در این دوره، رهبران شیعه و یازان وفادارشان همت خود را در دو حوزه متمرکز کردند:

این فرمایش ایشان بر کدام مبانی استوار است.

هر تمدنی به سه مؤلفه اساسی نیاز دارد. اولین مؤلفه، فرهنگ غنی است تا بتواند پشتوانه و زیرساخت تمدن آینده‌ای باشد که ساخته می‌شود. اگر فرهنگ غنی که از ظرفیت تمدن‌سازی برخوردار باشد، وجود نداشته باشد، تمدنی به وجود نخواهد آمد.

مؤلفه دوم رابطه‌ای است که باید بین رهبران تمدن‌ساز با ملت و امت برقرار شود. اگر مردم، مسیری را که رهبران و کارشناسان یک فرهنگ ترسیم می‌کنند، نپیمایند، هرچند فرهنگی غنی در اختیار باشد، زمینه‌سازی برای تمدن فراهم نمی‌شود.

سومین عنصری که برای شکل‌گیری یک تمدن ضرورت دارد، ساختارسازی مطلوب، مبتنی بر آن تمدن غنی است. در این فرصت کوتاه، بنده فقط می‌توانم با تکیه بر ارتباط مجتهدان شیعه و رهبران شیعی با مردم و ظرفیت‌سازی‌هایی که صورت گرفته است، به این سه مؤلفه در طول تاریخ تشیع، اشاره‌هایی داشته باشم. ما اکنون به فرمایش مقام معظم رهبری در پیچی قرار داریم که به تحقق تمدن اسلامی خواهد انجامید.

### تاریخ تشیع و مراحل ارتباط رهبران با مردم

تاریخ شیعه را از این منظر می‌توانیم به سه مرحله تقسیم کنیم:

مرحله اول از زمان حضرات معصومین (ع) تا دوران صفویه است. در این مقطع، شیعه و رهبران شیعی حاکمیت را در اختیار ندارند. البته جریان کلی حرکت اجتهاد شیعی مورد نظر است و الا در هر مقطع استثنایی می‌توانیم پیدا کنیم. ما حکومت چند ساله حضرت امیرالمؤمنین (ع) را داریم اما وقتی در یک بازه زمانی طولانی نگاه

در جلسه‌ای که با حضور مسوولان نظام خدمت مقام معظم رهبری بودیم، ایشان فرمودند که من در متن اداره این نظام هستم، اگر بخواهیم تشبیه کنیم، مانند این است که اتوبوسی در حرکت است و جمعیتی درون آن قرار دارد و راننده‌ای رانندگی می‌کند، جاده پرپیچ و خم و دارای شیب و فراز اما این راننده به خوبی این مسیر را طی می‌کند. مردم همه می‌گویند چه راننده‌ای و چگونه با این سرعت این پیچ‌ها و فراز و نشیب‌ها را طی می‌کند؛ اما آن راننده می‌بیند که ترمز و فرمان بریده و کسی دیگر دارد این را هدایت می‌کند.

آنچه در این فرصت تقدیم حضور سروران گرامی می‌شود، نقش اجتهاد شیعی در زمینه‌سازی و ظرفیت‌سازی برای تحقق تمدن اسلامی است.

### پیچ تاریخی و مؤلفه‌های تمدن‌ساز

فرمایش حکیمانه مقام معظم رهبری که فرمودند ما در یک پیچ تاریخی قرار داریم و ملت ما باید تمدن آینده را رقم بزند، حقیقتی است که باید ببینیم در طول تاریخ تشیع، چه ظرفیت‌هایی برای تحقق این تمدن فراهم شده و

با توده مردم است که آن‌ها را تغذیه فرهنگی کنند و مانع تحریف و نابودی این فرهنگ شوند.

مرحله دوم که برای تمدن‌سازی ضرورت داشت، این بود که یک رابطه وثیق بین مجتهد و مردمی که از او تقلید می‌کنند شکل بگیرد.

در مقطع قبل، عین روایت هست؛ مردم روایات اهل بیت (ع) را می‌پذیرند و طبق آن عمل می‌کنند. اما در زمان غیبت باید رابطه‌ای وثیق بین مجتهدان به عنوان کارشناسان دینی و مردم به عنوان کسانی که به آن‌ها در جایگاه کارشناسان دینی اعتماد و از آن‌ها تبعیت کامل می‌کنند شکل بگیرد. حدیث شریفی که سخنان عزیز قبل از بنده هم به آن اشاره کردند، تعبیر خود ائمه طاهرین است که اما من کان من الفقها ... فقیهانی که دارای این ویژگی‌ها هستند، مردم باید از آن‌ها تقلید کنند. یعنی نظر کارشناسی آن‌ها در حوزه دین را به‌طور کامل تبعیت کنند.

براساس فرهنگ شیعی در هر مقطع زمانی، هر فرد مسلمانی باید در تمام مسائل دینی جز اصول دین و ضروریات، تقلید کند. مجتهد هم باید زنده باشد. بر خلاف اهل تسنن که همان چهار مجتهد دوران گذشته را کافی می‌دانند و همواره به آن نظرات باقی می‌مانند، فرهنگ شیعی باب اجتهاد را باز می‌داند و ملت و امت را موظف می‌کند که در هر مقطع زمانی از مجتهد زنده تقلید کنند.

### دوره تثبیت رابطه مقلد و مقلد

دوران بعدی در فرهنگ شیعی ما این حالت مقلد و مقلد تثبیت شد. این بازه زمانی را می‌توانیم از دوران صفویه تا قاجار مشاهده کنیم. باز در این مقطع استثنایایی داریم. مثلاً شاه طهماسب می‌گوید که محقق کرکی ولی فقیه و حاکم است و من عامل او هستم. این

کتاب فقهی بنویسم. مرحوم صدوق هم اگر عقائدالامامیه را می‌نویسد، عین عبارات روایات است. یعنی ما می‌توانیم بگوییم کلام ائمه (ع) همین‌هاست و این تحقیق شده است. دانشمندان و پژوهشگرانی تحقیق کرده و دیده‌اند مرحوم صدوق عین عبارات روایات را برداشته است و در قالب یک کتاب تالیفی ارائه می‌کند. چون همت‌شان مبتنی بر این بود که این فرهنگ غنی به عینه باقی بماند.

۲. در جایی که دشمنان به دنبال جعل و تحریف احادیث هستند، همت گماردند و حساسیت نشان دادند که این روایات

## حکم حکومتی در درون کشور، یک مرحله جدیدی بود و مرحوم میرزای شیرازی با مرجعیت عامی که داشت، آن حکم را صادر کرد. در جریان قرارداد رژی و جریان تنباکو مرحوم میرزای شیرازی یک جمله می‌نویسد و این جمله در تمام جامعه اسلامی و کشور ایران نفوذ می‌کند.

به‌دقت محفوظ بماند. گاهی آن‌قدر درباره این مساله حساسیت داشتند که اگر کسی روایتی را به مقداری کم و زیاد می‌کرد، او را از شهر بیرون می‌کردند.

ما باید بر این اندیشمندان بزرگمان در این بازه تاریخی افتخار کنیم و به روان همه آن‌ها درود بفرستیم که این فرهنگ غنی را در کمال صحت حفظ کردند. این مرحله اول رابطه مجتهدان شیعی

۱. حفظ میراث و فرهنگ غنی اسلامی آن‌هم با نهایت دقت و ظرافت. در دوران خود ائمه معصومین (ع) طراحی دقیق از سوی ایشان صورت می‌گرفت تا این فرهنگ غنی با سلامت و کمال حفظ شود و به رغم تهاجم‌های شدیدی که وجود داشت، دستخوش تحریف و نابودی قرار نگیرد و منتشر شود. همه شنیده‌اید که اصحاب و یاران امام چه همتی برای حفظ مکتوب و نیز انتقال سینه‌به‌سینه آموزه‌های اهل‌بیت (ع) و فرهنگ ایشان داشته‌اند. بعد از دوران ائمه (ع) در عصر غیبت هم ما دانشمندان بزرگی داریم که ثروت، وقت، توان و یاران خود را به‌کار گرفتند تا این فرهنگ در برابر تهاجم دشمن محفوظ بماند و دچار تحریف نشود. شخصیتی‌هایی نظیر مرحوم عیاشی را داریم که وقتی ثروت زیادی به او ارث می‌رسد، تمام آن را برای تربیت افرادی صرف می‌کند که به نگارش فرهنگ اهل‌بیت (ع) پردازند.

همت دانشمندان بزرگ ما مانند شیخ طوسی، صدوقین، مرحوم نراقی و دیگران بر این است که سخنان اهل‌بیت (ع) را با همان الفاظ و تعبیر منتشر کنند. حتی وقتی کتابی درباره عقائد یا فقه می‌نویسند، مقید هستند که عین عبارات روایات اهل‌بیت (ع) را بیاورند. شیخ طوسی با آن عظمت که بزرگ‌ترین مجتهد شیعی ماست، وقتی کتاب تهذیب و استبصار را می‌نویسد، متن روایات را می‌آورد و اظهار نظر خودش تنها در حد یک سطر بالای متن روایات است. جالب این‌که شیخ طوسی می‌گوید من می‌خواهم برخلاف آن‌چه تاکنون گذشته است، اجتهاد و ابداع رای کنم. می‌گوید چون علمای سلف ما فقط به حفظ متن روایات بدون کوچک‌ترین تغییر اکتفا کرده‌اند و هر جا می‌خواستند فتوا بدهند روایت را می‌خواندند، من در صدد برآمدن که



# مختصات

**دوره نفوذ و گسترش ولی فقیه در جامعه**  
مقطع سومی که در این حوزه نیاز داریم، مقطعی است که به شکل گیری رابطه اجتهاد شیعی با مردم به عنوان امت و امام نیاز است؛ یعنی از مرحله مرجعیت یک کارشناس عالی و واحد و برجسته و تقلید و مقلد به مرحله امت و امام برسد و مردم، مجتهد شیعی را به عنوان امام و ولی فقیه بپذیرند؛ به عبارتی، او را در همه صحنه‌های اجتماعی و فردی به عنوان حاکمی بشناسند که وقتی حکم می‌دهد، قاطبه امت اسلامی، حکمش را به منزله حکم امام تلقی کنند. این نکته در موزه‌های خود اهل بیت (ع) وجود دارد؛ آن‌جا که می‌فرمایند «اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة احادیثنا» یا در روایات دیگر مرحله را به این

یک مرحله به صورت مجتهدان پراکنده در هر منطقه‌ای نمود پیدا می‌کند ولی در مرحله بعد، مرجعیت عامه با شخصیتی مانند مرحوم شیخ انصاری تثبیت می‌شود و این مرجعیت عامه شیعه ادامه می‌یابد؛ یعنی نفوذ اجتهاد شیعی در کل جامعه شیعی و روی آوردن مردم به تشیع و اوج گرفتن شیعه از نظر کثرت و کمیت. این مرحله در این بازه زمانی شکل می‌گیرد و ما دانشمندان شیعی بزرگی را شاهد هستیم که وارد صحنه می‌شوند و شیعه از نظر کثرت و کمیت توسعه می‌یابد. آن مسأله‌ای که عرض کردیم در تمدن‌سازی به آن نیاز داریم، یعنی رابطه مقلد و مقلد در سطح عالی اش شکل بگیرد، در این بازه زمانی شکل می‌گیرد.

صرفاً یک مقطع کوتاه است و قبل و بعد از آن، این نوع تفکر که ولایت فقیه حاکم باشد وجود ندارد؛ اما رابطه مقلد و مقلد حاکم است. یعنی توده مردم کاملاً درک می‌کنند که باید از مجتهد تبعیت کنند. در این دوره ما محقق کرکی را داریم و برای اولین بار بعد از صدوقین، یعنی محروم صدوق و فرزند بزرگوارشان که نزدیک به عصر غیبت هستند، ایران مرکز تشیع می‌شود و شیعه نضج می‌گیرد؛ مرحوم محقق کرکی هم برای اولین بار از سوی حاکمان وقت به عنوان شیخ الاسلام معرفی می‌شود. یعنی حاکمان، جایگاه اجتهاد را در جامعه اسلامی به رسمیت می‌شناسند و مرجعیت مجتهدان شیعی شروع و تثبیت می‌شود. این اتفاق در



«مرحوم ملاعلی کنی رحمته الله علیه»

و قراردادهایی با ابعاد کلان را لغو می‌کنند و حتی غرامت می‌پردازند. البته بعدها انگلیس‌ها از طریق دیگری وارد می‌شوند؛ اما آن قراردادی که بر تمام کشور ما استیلا پیدا کنند، لغو می‌شود. همچنین اعلام جهاد مرحوم آشتیانی و نیز ملاعلی کنی علیه سفارت روسیه را داریم در زمانی که روس‌ها به میدان می‌آیند. مثل بسیاری از کشورها که در این مقطع ایران را میدان تاخت و تاز خود قراردادند و آن چیزی که توانست این کشور را در مقابل هجوم آن‌ها حفظ کند، همین مجتهدین بودند. از سویی، هر جا که رابطه امام و امتی در جامعه وجود نداشته است، تاخت و تازها موجب شده که کشور به بیگانگان واگذار شود؛ مثل دوران ناصرالدین شاه و فتحعلی شاه که بسیاری از بخش‌های کشور ما واگذار شد. چون این رابطه مستحکم امام و امتی وجود نداشت.

**دوره اجرای احکام حکومتی در جامعه شیعی**  
مقطع دوم در این مرحله، ورود مجتهدین و اعلام اجرای احکام حکومتی است. آن احکام، احکام خاصی بود که در



«مرحوم کاشف الغطاء رحمته الله علیه»

جنگ شرکت کنند و کشته شوند، مانند شهدای کربلا هستند. ایشان یک مجتهد و مرجع علی‌الاطلاق است که می‌فرمود: اگر تمام فقه شیعه را بشویند، من از آغاز تا پایان آن را خواهم نوشت. هم در بعد فقهی هم در بعد معنوی و اخلاقی و عرفانی شخصیت بسیار عظیمی است. در سایر زمینه‌ها هم فقها وارد شدند؛ مثل اعلان جهادی که علیه رویترز شد. می‌دانید که مرحوم ملاعلی کنی به نصب سپهسالار از سوی حکومت اعتراض کرد و گفت: ما در جامعه خودمان شخصیت‌های بزرگی داریم؛ چرا این شخصیت فاسد و وابسته را نصب کردید؟ مرحوم ملاعلی کنی هم با هشدار و هم با تهدید و روشن‌گری تمام قد به میدان آمد و آن‌قدر نفوذ داشت که رژیم ناچار شد قرارداد رویترز را لغو کند.

در این بازه زمانی، مجتهدان ما چنین موقعیت‌الایی پیدا کردند که حتی حکومت‌ها از این که مردم به عنوان امام و امت با آن‌ها برخورد کنند و به میدان بیایند، وحشت می‌کردند

حد می‌رسانند که «فاذا حکم بحکمنا» یعنی اگر این ولی فقیه طبق موازین ما حکم کرد، باید همه بپذیرند و بعد می‌فرماید «الراد علیه کالراد علینا» کسی که این حکم را رد کند، مانند این است که حکم ما را رد کرده است، و «الراد علینا کالراد علی الله» کسی که حکم ما را رد کند، حکم خدا را رد کرده است و «هو علی حد الشریک بالله» و این در مرز شرک قرار می‌گیرد.

این نوع رابطه که امت اسلامی احساس کند تبعیت نکردن و تردید در تبعیت از ولی فقیه به منزله شرک به خداوند است، تا این مقطع زمانی - جز استثناهایی که عرض کردیم - هنوز شکل نگرفته است.

این، مرحله سوم است که باید جامعه اسلامی به این سو حرکت کند. خود این مرحله مقطع‌های مختلفی دارد. در این مرحله اولین مقطعی که داریم، دوره اجرای احکام است.

در دوران قاجار و دوران پهلوی، دانشمندان دینی و مجتهدان شیعی ما در مقطعی اجرای احکام می‌کردند. پدر مرحوم آیت‌الله میانجی حتی در دوران پهلوی در منطقه خودشان درست مانند یک حاکم اسلامی اجرای حدود می‌کردند؛ چون نفوذ ایشان در آن منطقه به قدری بود که حتی حکومت هم نمی‌توانست جلوی او را بگیرد. لذا در مراعات و قضاوت‌ها به ایشان رجوع می‌شد و ایشان هم حکم صادر و اجرا می‌کردند.

این در سطح جزئی منطقه‌ای وجود داشت و در سطح بالاتر هم مساله اجرای احکام وجود داشته است. در همین مقطع، در ماجرای جنگ ایران و روس اعلام جهاد می‌شود. جنگی درگرفته است و مجتهدان ما به میدان می‌آیند. یعنی در سطح بین‌المللی حکم صادر می‌کردند. در جنگ ایران و روس، مرحوم کاشف‌الغطاء حکم صادر کرد و فرمود کسانی که در این

یک نوع نزاع و اختلاف ایجاد کردند و از این طریق مشروطه به شکست انجامید. اگر در دوران مشروطه، جایگاه مرحوم شیرازی و وحدت امت اسلامی با مرجعیت علی الاطلاق وجود داشت، مشروطه به نتیجه مطلوب می‌رسید.



«مرحوم شهید شیخ فضل‌الله نوری»



«مرحوم میرزای شیرازی»

باشد و بخواهند در یک مقطع لازم حکم حکومتی صادر کنند؛ بلکه گفتند این سیستم استبدادی مطلق باید تغییر کند و مشروطه یا از دید شهید آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری مشروطه مشروعه باید شکل بگیرد.

البته همه مجتهدین ما، چه آن‌ها که می‌گفتند مشروطه و چه مثل شیخ فضل‌الله که می‌گفت مشروطه مشروعه، در باطن یک چیز را می‌خواستند؛ یعنی مشروطه‌ای که بر اساس دین شکل بگیرد. اختلاف حقیقی بین مرحوم آخوند و سایر کسانی که طرفدار مشروطه بودند و شیخ فضل‌الله که می‌گفت مشروطه مشروعه، وجود نداشت.

در باطن، همه می‌خواستند اولاً نظام شاهنشاهی منقرض شود و ثانیاً نظامی مبتنی بر اسلام شکل بگیرد؛ متهی مرحوم شیخ فضل‌الله که در درون ایران بود، بصیرت بیش‌تری داشت و اطلاعات دقیق‌تری به دستش می‌رسید، می‌دید که عده‌ای با طرح مشروطه می‌خواهند جمهوری خارجی را این‌جا محقق کنند و

بعد از این‌که به میرزای شیرازی خبر دادند حکم شما این قدر نفوذ پیدا کرد، گریه کردند. پرسیدند: آیا این اشک شوق است؟ جواب دادند که نه، الان دشمن، به قدرت اجتهاد پی برد. تاکنون شاید فکر نمی‌کرد که یک مجتهد شیعی می‌تواند کل جامعه را در اختیار خودش بگیرد؛ اما حالا این را فهمیده و من نگران هستم که دشمن برای شکستن این قدرت توطئه کند. می‌بینیم که در مراحل بعدی این نگرانی مرحوم میرزا نمونه‌ها و جلوه‌هایی از خود را نشان می‌دهد.

#### دوره ساختارسازی عالمان شیعه

مقطع سوم از این مرحله، مقطع ساختارسازی است. در ادامه این روند، مجتهدین جایگاه ویژه‌ای در عرصه اجتماع پیدا می‌کنند. و به دوران مشروطه می‌رسیم.

در دوران مشروطیت این نبود که مجتهدین بخواهند فتوایی بدهند که مردم تقلید کنند یا علیه دشمنان خارجی موضع‌گیری و حکم صادر کنند؛ حتی این نبود که حکومت سر جای خودش

مقطع‌های خاص و معمولاً علیه بیگانگان صادر می‌شد. مرحله جدیدی بود که مرحوم میرزای شیرازی با آن مرجعیت عامی که داشت، آن حکم را صادر کرد. در جریان قرارداد رژی و جریان تنباکو، مرحوم میرزای شیرازی یک جمله می‌نویسد و این جمله در تمام سطح جامعه اسلامی و شیعی حتی درون دربار نفوذ می‌کند. حتی وقتی حکومت سراغ مرحوم آشتیانی می‌آید که شما به میدان بیا و این حکم مرحوم شیرازی را نقض کن و الا تبعید می‌شوی، مرحوم آشتیانی محکم می‌ایستد و می‌گوید: من هرگز چنین کاری نمی‌کنم. رژیم به عظمت جایگاه مرحوم میرزای شیرازی پی نبرده بود. فکر می‌کرد می‌تواند کسی را به میدان بیاورد و حتی دستور داد که تو باید بالای منبر بروی و قلیان بکشی! یعنی نه تنها در بیان، بلکه در عمل هم باید مخالفت کنی ولی مرحوم آشتیانی می‌ایستد و در نتیجه این توطئه حکومتی شکست می‌خورد و حکومت ناچار تسلیم حکم حکومتی مرحوم میرزای شیرازی می‌شود.

امام(ره) نفرمود از ولی فقیه و حکم حکومتی تبعیت کنید. گفته است بینید منویات او چیست و چه جهتی را نشان می‌دهد، هر چند حکمی نفرموده باشد. آن گونه که سید حسن نصرالله فرموده بود اگر ما احساس کنیم مقام معظم رهبری یک نظری دارد، برای ما حجت است.

#### دوره حاکمیت ولایت فقیه

این مرحله ساختارسازی از دوران مشروطه با آن شکست و تجربه به دوران حضرت امام(ره) می‌رسد و ایشان با طراحی دقیق و تدابیر حکیمانه‌شان، از همان آغاز نهضت با اطمینان کامل می‌فرمایند: سربازان من در گهواره‌ها هستند. ایشان یقین می‌داند که این نهضت به پیروزی می‌رسد. با تدابیر امام(ره) و رابطه وثیقی که با امت دارد و شبکه وسیعی که ایجاد کرده است و جامعه مدرسینی که شکل می‌گیرد و روحانیتی که پشت سر امام(ره) است، این نهضت شکل می‌گیرد و با پیروزی انقلاب نظام طاغوتی به کلی برچیده می‌شود؛ آن‌هم در شرایطی که همه معتقدند نمی‌توان با این نظام طاغوتی که به ابرقدرت‌های جهانی متکی است، اصلاً مقابله کرد، چه رسد به ساقط کردن آن!

سیاستمداران کارکشته می‌گفتند که اصلاً نمی‌شود مبارزه کرد، اما امام(ره) با دست خالی و با نیروهایی که به تعبیر روایات «کزبر الحديد» مانند تراشه‌های آهن مستحکم و پولادین بودند،

مزدوران و ترفندهای این‌ها را می‌دید؛ از این رو بر مشروطه مشروعه تأکید می‌کرد؛ اما علمای نجف چون دور بودند و اطلاعات دقیقی نداشتند، می‌گفتند مشروطه همان است که ما می‌خواهیم.

در کل، مجتهدین شیعه خواستار یک تغییر بنیادی در سیستم و ساختار حکومتی بودند. این‌جا مرحله ساختارسازی شروع می‌شود. منتهی نگرانی مرحوم شیرازی این‌جا خودش را نشان داد و دشمن توانست در این مرحله با طراحی‌هایی که کرد، مانع گردآمدن امت اسلامی بر محور مرجعیت واحد علی‌الاطلاق شود؛ یعنی طراحی برای تفرق و تجزیه امت بین طرفداران مجتهدینی که طرفدار مشروطه بودند و مجتهدینی که به دنبال تحقق مشروطه مشروعه بودند. اختلافی ایجاد کردند و از این طریق مشروطه به شکست انجامید. اگر در دوران مشروطه، جایگاهی که مرحوم شیرازی داشت و وحدتی که امت اسلامی با مرجعیت علی‌الاطلاق برقرار کرده بود وجود داشت، مشروطه به نتیجه مطلوب می‌رسید. اما دشمن وارد شد و با کمک مزدورانی که در داخل داشت و از طریق ترفندها و شبهه افکنی‌هایی که انجام داد، چهره دیگری از مرحوم شیخ فضل‌الله نوری ارائه کرد و باعث شد مرحوم شیخ که حضرت امام(ره) مکرر بر عظمت علمی و اخلاصشان تأکید فرموده بودند، به دار آویخته شوند و حتی عده‌ای از مردم پای چوبه دار او کف بزنند! این‌ها برای ما عبرت است و خوشبختانه ملت ما در این زمینه از این عبرت‌های تاریخی خوب استفاده کرد. لذا در جریان انقلاب، دشمن تا این لحظه هنوز نتوانسته این رابطه امت و امامی را دچار خدشه کند و ما باید خدا را شکر گوئیم که امت ما را بر گرد این محور باقی نگه داشته است.

شکست متوجه ما شده است.

این یک حقیقت است و سراسر تاریخ تشیع آن را نشان می‌دهد. وقتی به امامان معصوم ما - غیر از حضرت اباعبدالله الحسین (ع) - می‌گفتند که چرا قیام نمی‌کنید؟ می‌فرمودند یاور نداریم یا به تعداد این گوسفندان که شماره‌شان به ۱۵ و ۲۰ تا بیش‌تر نمی‌رسید، یاور حقیقی نداریم. جریان امام رضا (ع) را شنیده‌ایم که فردی وارد شد و گفت: چرا قیام نمی‌کنید؟ امام فرمود: بنشین. پس از مدتی فردی آمد، امام گفت: داخل تنور آتش برو. او رفت و امام (ع) صحبت را ادامه داد: بعد فرمود: بیا بیرون. این بنده خدا فکر می‌کرد که آن فرد سوخته و تمام شده است. امام (ع) فرمودند: چندتا از این‌ها سراغ داری؟ و او گفت هیچ.

این رابطه است. ما به فرمایش حضرت امام (ره) جز با ولایت فقیه نمی‌توانیم این کشور را حفظ کنیم. پشتیبان ولایت فقیه باشید تا به مملکت شما آسیب نرسد. نفرمود از ولی فقیه و حکم حکومتی تبعیت کنید گفته ببینید منویات او چیست و چه جهتی را نشان می‌دهد، هرچند حکمی نفرموده باشد.

سیدحسن نصرالله فرموده بود: اگر ما احساس کنیم مقام معظم رهبری یک نظری دارد، برای ما حجت است. رابطه ما باید علاوه بر تبعیت، رابطه مودت و نیز امام و امت باشد؛ یعنی همان‌گونه که با امام معصوم (ع) باید هم مودت و معرفت داشته باشیم و هم اطاعت کنیم در مرتبه پایین‌تری باید هم ولایت فقیه و ولی فقیه را به خوبی بشناسیم، هم عشق و علاقه داشته باشیم و هم تبعیت کنیم.

خداوند همه ما را قدردان نعمتهایی که به ما داده است قرار دهد و در زمره ولایت‌مداران حقیقی و پشتیبانان واقعی ولی فقیه قرار بگیریم ان‌شاء الله.

توانستند آن نظام را ساقط کنند. شک نکنید که طراحی امام (ره) قدم به قدمش با الهام از خداوند و هدایت ولی عصر ارواحنا لتراب مقدمه‌الغدا بوده است. این تدبیر، یک تدبیر و اندیشه این جهانی و نبوغ و این‌ها نیست. آن نظام ساقط و انقلاب پیروز می‌شود. چه قدر توطئه‌های مختلف به وجود آمده و همه به فرصت تبدیل شده است. در دوران پس از امام (ره) هم می‌بینیم که رهبری معظم انقلاب انواع توطئه‌های پیچیده دشمن را که هر یک از آن‌ها می‌توانست نظام را ساقط کند، به فرصت تبدیل کرده است. بدون شک امدادهای الهی کنار این هست.

در جلسه‌ای که با حضور مسؤولان نظام خدمت مقام معظم رهبری بودیم، ایشان فرمودند که من در متن اداره این نظام هستم، اگر بخواهم تشبیه کنم مانند این است که اتوبوسی در حرکت است و جمعیتی درون آن قرار دارد و راننده‌ای رانندگی می‌کند، جاده پرپیچ و خم و دارای فراز و نشیب؛ اما این راننده به خوبی این مسیر را طی می‌کند. مردم همه می‌گویند چه راننده‌ای و چگونه با این سرعت این پیچ‌ها و فراز و نشیب‌ها را طی می‌کند؛ اما آن راننده می‌بیند که ترمز و فرمان بریده و کسی دیگر دارد این را هدایت می‌کند.

البته ایشان فرمودند فکر نکنید ترمز بریده؛ ما مسلطیم اما بدانید که دست دیگری پشتیبان این نظام است. خود حضرت امام (ره) هم مکرر بر این نکته تأکید می‌فرمودند. فرمود خرمشهر را خدا آزاد کرد.

### همراهی امت و امامت؛ راه عبور از پیچ تاریخی

هم امام و هم مقام معظم رهبری روی تک تک کلمات‌شان حساب‌شده سخن می‌گویند. این امدادها توانسته ما را کمک کنند. ما باید این نعمت‌های الهی را قدر بدانیم؛ هم اصل نظام، هم امدادهای الهی و هم وجود ولایت فقیه را. در طول تاریخ تشیع، هر جا که امت با امام همراه بوده است، توانسته بزرگ‌ترین تهدیدها را از سر بگذرانند و به فرصت تبدیل کند و هر جا که این رابطه اندکی ضعیف شده، به همان میزان

